

## رسوایی در نشست بین المللی برندگان جایزه صلح نوبل

### در ورشو

<http://eb۱۳۸۴.wordpress.com/۲۰۱۳/۱۰/۲۹/>

۷ عقرب ۱۳۹۲

روز ۲۱ اکتبر مراسم افتتاح سیزدهمین نشست بین المللی برندگان جایزه صلح نوبل، که معمولاً اینگونه نشستها را میخائیل گارباچوف، «اولین و آخرین رئیس جمهور» اتحاد شوروی و شخصیت بسیار محبوب غرب افتتاح می کند، پیش رفت. زیرا، این نشست بدون حضور گارباچوف و در شرایط پریشان حالی میزبان، لخ والسا، «رئیس جمهور» سابق لهستان (-۱۹۹۰) (۱۹۹۵) در ورشو، پایتخت لهستان گشایش یافت و دقایقی بعد، با سخنرانی مایرید کوریگان (Mairead Corrigan)، یکی دیگر از برندگان جایزه صلح نوبل به افتضاح کشیده شد<sup>(۱)</sup>.

مایرید کوریگان، صلحدوست ایرلندی، برنده جایزه صلح نوبل سال ۱۹۷۶ (مشترکاً با بتی ویلیامز) بخاطر حل و فصل مناقشه ایرلند شمالی، در بخشی از سخنان هیجان انگیز خود، اعطای جایزه صلح نوبل سال ۲۰۰۹ به باراک اوباما را بشدت تقبیح نمود و با حمله بی پروا به آمریکا و اروپا، ارتش ناتو را یک ارتش اشغالگر و متجاوز خواند. او گفت: «ما همه می دانم که در عراق تسلیحات امحاء جمعی وجود نداشت، با این وجود، این کشور را بمباران کردند. الان غریبها در مقابل هر کشور نامطلوبی مثل عراق، لیبی حتی گردن کلفتی می کنند. آنها اقدام خود را تجاوز انساندوستانه می نامند. می گویند موظف بدفاع از شهروندان غیرنظامی هستند و کشور را با بمبارانها و موشکهای بالدار با خاک یکسان می کنند. اکنون ایران و کره شمالی در نوبت بعدی هستند...»<sup>(۲)</sup>.

در مورد اعطای جایزه صلح نوبل سال ۲۰۰۹ به رئیس جمهور آمریکا، باراک اوباما، همچنین، به نوشتاری تحت عنوان «ریش دست شما، قیچی دست شماست»، رجوع کنید<sup>(۳)</sup>.

علاوه بر این، یک روز پس از افتضاح در نشست بین المللی برندگان جایزه صلح نوبل در ورشو، سازمان عفو بین الملل دولت آمریکا را بعلت کشتار مردم غیرنظامی یمن و پاکستان با هواپیماهای بی سرنشین به ارتکاب جرایم جنگی متهم کرد و تصریح نمود که دولت اوباما از دستیابی دیده بانان حقوق بشر به واقعیات بیشتر جلوگیری می کند<sup>(۴)</sup>.

موضوع قابل ذکر دیگر در رابطه با امپریالیسم آمریکا این است که یک روز قبل از گشایش نشست بین المللی برندگان جایزه صلح نوبل در ورشو، برخی رسانه ها از ابداع نوع جدیدتر ماده مخدر بنام «تمساح» در آمریکا (احتمالا توسط دولت آمریکا) خبر دادند که از همان اولین بار استعمال آن، فرد معتاد میشود و در عرض کمتر از دو ماه از پای درمی آید. در ادامه همین گزارش گفته میشود، که روانشناسان آمریکائی گروههائی از جوانان را برای قتل و کشتار تربیت میکنند... (۵).

در ارتباط با یادآوری گزارشات خبری فوق، توضیح و بررسی چند نکته ضروری بنظر می رسد:

نکته اول- در مورد چرائی پریشان حالی لخ والسا در نشست بین المللی برندگان جایزه صلح نوبل. خود «قهرمان» موضوع را با مرخصی اخیرش از بیمارستان توضیح داد. اما، بنظر می رسد این دلیل، نه واقعی بود و نه، کافی. گمان می رود، علت آن، اساسا با نفرت عمومی نسبت به وی انزوای او در جامعه، بخصوص در جامعه لهستان بستگی داشته باشد. فراموش نباید کرد زمانی که در سالهای نود قرن گذشته، در اثر حمله سراسری دنیای سرمایه به عدالت اجتماعی، فضای جهانی چنان بسود نیروهای فوق ارتجاعی تغییر یافت که لخ والسا، این بز طلایه دار گله خائنان و وطن فروشان معاصر، با کمک و پشتیبانی همه جانبه سیاسی، تبلیغاتی، تشکیلاتی، ایدئولوژیک و مالی همان دولتهائی که امروز خود را «دوستانه سوریه» می نامند و دیروز، «دوستان» خلقهای سومالی، افغانستان، عراق، لیبی، مصر، یمن و ... می خواندند، پس آنکه با اکثریت بزرگ آرا رأی دهندگان فریب خورده لهستانی به ریاست جمهوری این کشور برگمارده شد، کار، تولید، علم و تمام زیرساختهای اقتصادی لهستان را نابود ساخت، کشور تحت «رهبری» خودش را به فاحشه خانه و مرکز صدور فاحشه تبدیل کرد. لهستان را به زیر سلطه استعماری غرب کشانید و عضویت ارتش جنایی امپریالیسم- **ناتو**- در آورد... اما، زمان زیادی طول نکشید که مردم فریب خورده و «امی»، ولی در واقع بسیار داناتر و آگاه تر از بسیاری یاهو گویان دانشمندنا، تجربتا به فریبکاری غرب امپریالیستی، بخصوص، دولتهای آنگلساکسونی و همچنین، به اشتباه خود پی بردند و سعی کردند اشتباه تاریخی خود را در انتخابات بعدی ریاست جمهوری تصحیح نمایند. در راستای تصحیح همین اشتباه بود، که لخ والسا در دوره دوم انتخابات ریاست جمهوری لهستان فقط از پشتیبانی دو دهم (۲/۰) درصد رأی دهندگان لهستانی برخوردار شد... اگر چه این مشت آهنین رأی دهندگان لهستانی در شرایط گرفتاری لهستان در پنجه استعمار بی تأثیر بود، اما پس از آن لخ والسا سر در لاک خود فرو برد و بدلیل نفرت و انزجار عمومی نسبت به وی، از نظرها پنهان گردید. بااحتمال بسیار قول، علت

پریشان حالی قهرمان خیانت به کشور و مردم لهستان در نشست بین المللی برندگان جایزه صلح نوبل در ورشو نیز همین بوده است.

نکته دوم - عدم حضور میخائیل گارباچوف. در گزارشات خبری رسانه ها، هیچ توضیحی در باره علت غیبت میخائیل گارباچوف در سیزدهمین نشست بین المللی برندگان جایزه صلح نوبل داده نشد. اما، دلیل واقعی آن تا حدود بسیار زیادی روشن است.

میخائیل گارباچوف، بزرگترین خائن و جنایتکار تمام تاریخ بشر، تا آنجا که بنده اطلاع دارم، مدتهاست که به محاق رفته و از انظار پنهان شده است. اگر ولی نعمت های آنگلساکسون وی در اینجا و آنجا نامی از او نبرند، هیچ کس، چه در خرابه های باقی مانده از اتحاد شوروی و چه در خارج از آنها بفکر او نیست. زیرا، نه تنها خلقهای کشورهای «بلوک شرق»، حتی همه بشریت مترقی از سالها پیش می دانند که در اثر خیانت دهشتناک میخائیل گارباچوف و باندهای مزدور داخلی همنوای او به کشور اتحاد شوروی و خلقها، حزب و دولت تحت «رهبری» آنها، غرب امپریالیستی نه فقط موفق شد عدالت اجتماعی را تخریب و اتحاد شوری را تجزیه نموده و تمام اجزای آن را (منهای جمهوری بلاروس که علیرغم تمام حملات و فشارهای امپریالیسم موفق شد نظام اجتماعی - اقتصادی عادلانه را حفظ نماید)، به زائده سرمایه داری و اغلب آنها را به حیاط خلوت و مستعمرات مفلوک امپریالیسم تبدیل کند، بلکه، سبب تخریب راه آغاز شده بشریت بسوی عدالت اجتماعی، و همچنین، نوزائی و توسعه فاشیسم مهارگسیخته غرب و حمله سراسری آن به کل جهان و همه دستاوردهای بشری گردید و زمینه بمباران و ویرانی دهها کشور و بیکاری، فقر و خانه خرابی صدها میلیون نفر و کشتار دهها میلیون نفر دیگر در اثر حملات جنون آمیز امپریالیسم آمریکا و متحدانش را فراهم ساخت. با این توصیف مختصر، تصور اینکه میخائیل گارباچوف، حتی تحت تدابیر شدید امنیتی، جسارت حضور در مجامع عمومی را داشته باشد، یک تصور باطل است.

نکته سوم - اینکه هر کسی، می بایست پاسخ یکسری سؤالات را، حداقل برای خودش، بدهد. مثلا، آمریکا خودش را چه کاره این جهان می داند و از جان و مال بشریت چه میخواهد؟ چرا آمریکا مجاز است علیرغم راه اندازی کشتارهای میلیونی (کره، ویتنام، کامبوج، ایران، اندونزی، عراق، افغانستان، لیبی، سودان، سومالی، سوریه، پاکستان، مصر، یمن، بطور کلی در تمام کشور های آسیا، آمریکای لاتین، اروپا، آفریقا)، دم از «دمکراسی» و «حقوق بشر» بزند؟ آیا می تواند این واقعیت بدیهی را بپذیرد که دولتها آمریکا، همانطور که باراک اوباما در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصریح نمود<sup>(۶)</sup>، از ایدئولوژی صهیونیسم پیروی میکند؟ چرا هر کشوری باید با آمریکا رابطه «حسنة» داشته باشد؟ آیا بخاطر این است که این دولت یک سارق مسلح بین

المللی است، قریب نهصد پایگاه نظامی زورگیری در سراسر جهان دادر، با دلار بی هیچ پشتوانه و نیروی نظامی سلطه خود را به جهان اعمال می کند؟ چرا برنامه هسته ای ایران یا جمهوری دموکراتیک خلق کره فقط برای آمریکا و متحدان اروپائی آن مشکل است؟ چرا فقط آمریکا و متحدانش وظیفه «جنگ با تروریسم» را بعهده گرفته اند؟ چرا فقط آمریکا و متحدانش می توانند هر کشور دلخواهی تهدید کنند، تحریم نمایند، بمباران و ویران سازند...؟ اگر کشوری با آمریکا رابطه نداشته باشد، مثلا چه چیزهایی را از دست میدهد؟ مواد مخدر، بلوکه کردن نقدینگی هایش در قمارخانه های امپریالیستی (از جمله، بانک جهانی)، یا رواج و اشاعه بیماریها کشنده؟ چرا آمریکا حق دارد گسترده ترین مقدار تسلیحات امحاء جمعی (اتمی، شیمیائی، میکروبی و غیره) را در اختیار داشته باشد؟ جاسوسی جهانی آمریکا و صدهای چرای دیگر پیشکش وازدگان سیاسی. و لذا، بدون دادن پاسخ صریح به این پرسشها، بدون شناخت و آگاهی به خصوصیات و ویژگی های امپریالیسم آمریکا، یا باید «ورزشکار» بود و مثل دولت غربگرای «اعتدال و امید» آقای حسن روحانی در مقابل امپریالیسم آمریکا، این راهزن بین المللی به نمایش «نرمش قهرمانانه» (بزبان ساده تر، دولا و راست شدن) مشغول شد، که خود این چیزی نیست جز تبعیت از فرامین سارق مسلح و سجده در پیش پای گردن کلفتی، که در همه حال خواست خود را به کرسی خواهد نشاند یا باید پذیرفت، که دیگر زمان اتحاد و اتفاق همه خلقهای آزادیخواه، عدالت طلب و صلحدوست جهان برای مهار حاکمان مهاجم آمریکا، این دیوانگان زنجیرگسیخته فرارسیده است.

نکته آخر و مهمتر از همه اینکه، علیرغم بازتاب جهانی بویژه، سخنان **مایرید کوریگان** در نشست بین المللی برندگان جایزه صلح نوبل در ورشو و بیانیه عفو بین الملل، حیرت آور است که رسانه های فارسی و دری زبان وابسته به گروهها و دستجات لیبرال و غرب زده، بویژه، آن دسته از وازدگان باصطلاح سیاسی که تا زمان خیانت دهشتناک باند مزدور گارباچوف به چیزی کمتر از «**سوسیالیسم، همین امروز**» رضایت نمی دادند، در مقابل اخبار و گزارشات فوق الذکر سکوت قبرستانی اختیار کردند. **چرا؟** در صورتیکه همه آنها علی الظاهر معترفند که چشم بستن بر واقعیات، یک تبه کاری آشکار است.

#### **منابع**

(۱)- و (۲)-

<http://www.vesti.ru/videos?vid=۰۴۶۸۶۸>

(۲)-

<http://www.mashal.org/content.php?c=bainenmelal&id=۰۰۶۵۱>

[http://jenhezdetajavoz.blogspot.com/۲۰۰۹\\_۱۰\\_۰۱\\_archive.html](http://jenhezdetajavoz.blogspot.com/۲۰۰۹_۱۰_۰۱_archive.html)

(۴)-

<http://news.wikipg.com/news/۱۵۷۹۱۳۸/>

-(۵)

[http://www.vesti.ru/\(۲۰,۱۰,۲۰۱۳\)](http://www.vesti.ru/(۲۰,۱۰,۲۰۱۳))

-(۶)

<http://www.hafteh.de/?p=۵۹۰۰۶>

-